



زندگی نامه شهدا و ایثارگران روستای قیطافی

تالیف: اعظم خان قیطافی

سرشناسه: خان قیطاقی، اعظم -
عنوان و نام پدیدآور: هیجا: زندگی نامه شهدا و ایثارگران روستای قیطاقی / تالیف اعظم خان قیطاقی.
مشخصات نشر: قوچان: انتشارات خبوشان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۹۵ ص: مصور (بخشی رنگی)، عکس؛ ۱۴/۵ x ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: ۹-۹۲۹۷۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
عنوان دیگر: زندگی نامه شهدا و ایثارگران روستای قیطاقی
موضوع: شهیدان — ایران — قیطاقی (روستا) — سرگذشتنامه
موضوع: Martyrs -- Iran -- Qeytaqi -- Biography
موضوع: ایثارگران جنگ — ایران — قیطاقی (روستا) — سرگذشتنامه
موضوع: War participants -- Iran -- Qeytaqi -- Biography*
موضوع: شهیدان — ایران — قیطاقی (روستا) — بازماندگان — خاطرات
موضوع: Martyrs -- Iran -- Qeytaqi -- Survivors -- Diaries
رده بندی کنگره: DSR۱۶۲۵
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۸۵۲۰۹

www.ketab.ir

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: هیجا (زندگی نامه شهدای روستای قیطاقی)
نویسنده: اعظم خان قیطاقی
ویراستار: میثم وجدانی
مدیر هنری: محمدعلی زحمتی
صفحه آرایی و طراح جلد: نگار عباس زاده
ناشر: انتشارات خبوشان
تاریخ نشر: ۱۳۹۸
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
چاپ: طاهر قم
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۹۷۲-۶۰۰-۹

«کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است»

قوچان: بازار مشرباد، خیابان نوری، نوری ۱۵، پلاک ۱۱، طبیبی بکف،
تلفن: ۰۵۱۴۷۳۴۶۱۴۵، @khabushanpub

خبوشان

فہرست

۴۱	حیدر علی ارتزاق	۱۱	فصل اول
۳۹	حسن عبد یوسف خانی	۱۳	سرباز شہید براتعلی قنبر پور
۴۳	مرتضی خان قیطاقی	۱۵	شہید محمد رضا چریگو
۴۴	اقدس خان قیطاقی	۱۷	بسیجی شہید احمد پروانہ
۴۵	جانباز ناصر ولی پوران و رانلو	۱۹	پاسدار شہید علی اکبر ارتزاق
۴۶	موسی میرزا قیطاقی	۲۲	سرباز شہید مراد غلامعلی قیطاقی
۴۸	رستم رستمی مقدم	۲۵	سرباز شہید ایکہ شکفتہ
۴۹	نوروز محمد حمیدنیا	۲۷	فصل دوم (زندگی نامہ اینار گراں)
۵۰	زہرا میرزا قیطاقی	۲۹	جواد اویسی
۵۱	رجب علی صدر	۳۰	محمد تقی رجب نژاد
۵۲	نصرت اللہ قنبر پور قیطاقی	۳۳	محمود خان قیطاقی
۵۳	علی اصغر ارتزاق	۳۴	علی غلامعلی قیطاقی
۵۴	محمد علی یزدی	۳۵	حسین غلامعلی قیطاقی
۵۷	فصل سوم (اسناد و تصاویر)	۳۶	دکتر محمد خان قیطاقی
۹۹	شعر شب آبادی	۳۷	محمد خان قیطاقی
۱۰۰	شعر قائنات وہ خین	۳۸	براتعلی غلامعلی قیطاقی
		۳۹	حمید میرزا قیطاقی

پیشگفتار

دستانم می لرزد و شرم سراسر وجودم را فرا گرفته است. که وقتی قلم نامشان را می نگارد آیا توانسته‌ام عظمت و بزرگیشان را هم توصیف کنم؟ ما را چه رسد که با این قلم‌های شکسته و بیان‌های نارسا در وصف شهدا و ایثارگران و مردان لحظه‌های سخت قلم بزنیم و سخن بگوییم هنوز صدای گامهای حماسیشان در جای جای وطنم به گوش می رسد و فریاد الله اکبرشان در سرزمینم طنین انداز است.

از شهدا سخن گفتن آسان نیست. نام شهید که به میان می آید سنگ‌ها به احترام برمی خیزند، هوا معطر می شود و آب در زلال صداقت وضو می گیرد. نام شهید با دست خط خدا در سینه تاریخ می درخشد. شهید با خورشید فروزان ایمانش دشت‌های وسیع اخلاص و ایثار را متواضعانه و بی منت نورافشانی می کند. اگر شقایق و لاله در بهار می شکفتند و دامان صحرا را زینت می بخشند، شهید، زمین و آسمان را بهاری می کند، عطر شهید ملائک را مست می سازد و به ما می گوید که بهار در دستان اوست.

وقتی به اذن خدا چوبی خشک پس از خواب طولانی زمستانی برمی خیزد و چتر شکوفه بر سر می گیرد، آنگاه سرخی خون شهید جهان را به شکوفه، شکوفه فانی خواهد کرد؟ سکوتشان را بین! همین‌ها بیداران و منتظران واقعیند و فردای ظهور، اولین لبیک گریان خواهند بود. آنان حقیقت انتظارند. به روح پاک آسمانی‌شان چه می توان نثار کرد؟ گویی هنوز در میان ما هستند.

امروز این گام کوچک را از صمیم قلب به یاد و خاطرشان برداشته‌ام. و می دانم که در مقایسه با داغ پدر و مادری که فرزند یا فرزندان‌شان به شهادت رسیده‌اند یا داغ فرزندی که پدر و مادرهایشان، جان خود را در دفاع مقدس به جان آفرین تسلیم کرده و جانبا زانی که عمری با درد سالخورده خود زیسته‌اند و هنوز هم به فکر امنیت ما هستند، یا اسیرانی که سال‌های طولانی در زندان‌های مخوف دشمن در مقابل ظلم، تمام‌قد ایستادند. بسیار کوچک و ناچیز است. اینک با تمام وجود این برگ سبز را که متبرک به نام شهدای عزیز روستای قیطافی است به تمامی رادمردان و شیرزنان ایثارگری که مروج فرهنگ شعور و اندیشه بودند و آرامش و امنیت را به ملت ایران هدیه کردند و پدران پشت خمیده‌ی پینه بردست و مادران صبوری که دل‌هایشان با داغ فرزند شهیدشان مزین شده است به عنوان یادگار تقدیم می کنم.

مقدمه

تا کنون در جهان جنگ‌های بسیاری روی داده و جز نابودی، رنج و فلاکت برای انسان هائنتیجه‌ای در بر نداشته است، اما به تعبیر امام خمینی (ره) جنگ ما برای بقای اسلام و قرآن رخ داد. این جنگ در امتداد نهضت امام حسین (ع) و در ادامه حرکت انبیای الهی و ائمه‌ی معصومین (ع) به وقوع پیوست. جنگ ایران و عراق از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن حاضر است. این جنگ تقریباً دو برابر جنگ جهانی اول و یک و نیم برابر جنگ جهانی دوم و سه برابر جنگ کره به طول انجامید. جنگی که در راستای بدر و حنین و عاشورای امام حسین (ع) بود، عاشورایی که دارای پیامی بزرگ است، همان پیامی که امام حسین (ع) در روز عاشورا فرمودند: «تمام این فراز و نشیب‌ها را دیدم تا خدا را بهتر شناسم».

همان‌طور که در کر بلا، بندگی به اوج خود رسید و ماندگار شد، این جنگ هم از الطاف خفیه‌ی الهی بود چرا که در اعتلای کلمه‌ی تو حید روی داد. آری، دفاع مقدس یک گنجینه‌ی ارجمند و تمام‌نشدنی است، از آن باب که این گنجینه‌ی دامن حسین (ع) و کر بلا سرچشمه گرفته و رنگ یا قوت‌های آن به سرخی خون شهیدان جاویدان کر بلاست. در طول هشت سال دفاع مقدس، در سطر سطر کارنامه رزمندگان فداکار ایرانی، شاهکارهای بسیاری می‌دوختند که هر کدام به تنهایی برای افتخار یک ملت کافیست. این پیروزی عظیم و خداپسندانه از آن بزرگمردانی است که در سال‌های طاقت فرسای جنگ، پیکر وطن را زیر پر و بال گرفتند و ریسمان محکم تو کلمات دامن الله گره زدند تا این نقش را بر سینه سپید کشورمان حک کردند و برای همیشه پرچم سه رنگ ایران اسلامی را برافراشتند.

امیدوارم این کتاب زمینه‌ی شناخت بهتر زحمات رزمندگان این مرز و بوم در سال‌های دفاع مقدس را برای علاقه‌مندان فراهم آورد، هر چند که می‌دانم در برابر جانفشانی‌ها و بزرگمردیهای ایشان، ادای دینی ناچیز و مختصر کرده‌ام.

وَالسَّلَامُ عَلٰی عِبَادَا... الصَّالِحِیْنَ

در پایان از خانواده‌های شهدا، جانبازان، ایثارگران، اهالی قدرشناس روستا و استاد سید علیرضا مهرداد، دکتر کاظم دامغانی، دکتر محمدرضا نیکنام، دکتر مهران عبدلی، پدر و مادر بزرگوارم، برادرانم محمد، مجتبی و خواهرانم نرگس، عزت و اشرف که صمیمانه مرا در تسدوین این مجموعه یاری رساندند، تشکر می‌کنم.



اگر کوه به استوری و خورشید به گرما و روشنیش افتخار می کند، ما نیز به روستای زیبا و شهید پرورمان، قیطاقی، مفتخریم و عشق می ورزیم. روستای ۸۰ خانواری قیطاقی که تقریباً ۴۰۰ نفر جمعیت دارد در هفت کیلومتری شمال شرقی شهرستان قوچان و در دهانه یکی از دره های رشته کوه هزار مسجد- که اهالی آن را «شیرین دره» می خوانند واقع شده است. قیطاقی در آغوش تپه های کم ارتفاع، بر سفره ای از مزارع سرسبز نشسته و رودخانه اترک، همچون شربانی پاک، با گذر از قلب آن، باغ ها و مزارع روستا را سخاوتمندانه سیراب می کند و به سوی قوچان راه خود را در پیش می گیرد. تپه های اطراف روستا انتهای رشته کوه هزار مسجد هستند که از روستای یدک شروع می شود و پس از در بر گرفتن روستای الهیان، چران و جانان، کردکانلو، طویل، برج قارداش، قلعه کمر، زو خانو، بادخور، یوسفخان و پری آباد، به روستای قیطاقی می رسد. قیطاقی از سمت شمال به روستای آفکاریز، از سمت جنوب به روستای ناوخ، از شرق به روستای یوسفخان و از غرب به روستای جالاکلی متصل می شود. از نظر آب و هوا سرد و مرطوب است و مردمش اغلب کشاورز و دامدارند و به سه زبان فارسی، ترکی و کرمانجی تکلم می کنند. اهالی روستا از چهار طایفه ممیش خان، قارداش خانی، ورنلو و ساوولی که به ترتیب ترک، کرمانج و فارس هستند تشکیل می شود. آنها فرهنگ و آداب و رسوم سنتی مخصوص به خود را دارند و از قدیم تا امروز سعی کرده اند فرهنگ و اصالت خود را به خوبی حفظ کنند. ویژگی بارزشان، استعداد درخشان و روشنفکری آن هاست. از این رو در تحصیل علم و هنر پیشرفت بسیاری داشته اند.

به جرأت می توانم بگویم قیطاقی، بهشتی کوچک است که تنها، دیدنی نیست! قیطاقی را باید شناخت، باید فهمید. در این روستا باید آرزوها را بر آورده دید و بر اجابتشان سجده کرد. باید مردمانش را استود، مردمانی با غرّت را که نسل به نسل با حرمت زیسته اند و وطن دوستی را از نیاکانشان به ارث برده اند و برای آبادی و آزادی سرزمینشان ایران هرگز کوتاهی نکرده اند. آفرین بر چنین مردمی! آری این ها کسانی هستند که در جنگ تحمیلی عراق بر ایران از امتحان خود سربلند بیرون آمدند و آنچه داشتند بی ریا تقدیم کردند.